



در عصر حاضر، محیط‌زیست از اهمیت و جایگاه بسیار مهمی نزد ملت‌ها و دولت‌ها بر خوردار است، چرا که امروز محیط‌زیست در حمایت از توسعه، ۴ نقش مهم را بر عهده دارد که عبارت‌ند از: حمایت از زندگی، عرضه منابع طبیعی، جذب ضایعات محصولات و خدمات رفاهی. در واقع این ۴ نقش جزو وظایف تفکیک‌ناپذیر محیط‌زیست است. از سوی دیگر، ظرفیت اکوسیستم‌ها برای پذیرش تغییرات در محیط‌زیست محدود بوده و اگر چه طبیعت توانایی مقابله با تغییرات را دارد ولی سرعت بازسازی طبیعی در حد تخریب‌ها نیست و در نتیجه فرآیند تخریب محیط‌زیست به صورت غیر قابل بازگشتی در حال پیش‌روی است، یکی از مهم‌ترین بحران‌های زیست‌محیطی در مناطق خشک و نیمه‌خشک، پدیده مخرب بیابان‌زایی و فرسایش بادی است که وقوع توفان‌های گردوغبار و حرکت ریزگردها از پیامدهای آن محسوب می‌شود. طی سال‌های اخیر توفان‌های گرد و غبار در غرب آسیا و بویژه در صحرای عربستان و عراق اثرات زاینبار زیادی را برای کشورهای به همراه داشته که دامنه آن تا شهرهای عمده کشیده شده است. وسعت خسارات این پدیده تنها محدود به تهدید اراضی کشاورزی و مناطق صنعتی نبوده، بلکه با مختل کردن زندگی عادی شهروندان، آشکارا تبدیل به یک تهدید جدی زیست‌محیطی شده و واکنش افکار عمومی را به دنبال داشته است. طی چند دهه اخیر گزاره‌هایی همانند «کشمکش بر سر منابع طبیعی»، «کمبود منابع طبیعی»، «فروسای محیطی»، «گرامیاش جهانی» و «نگرانی از پیامدهای اجتماعی و سیاسی آنها» کانون ادبیات سیاست و امنیت زیست‌محیطی جهان بوده‌اند. گزاره‌های یادشده درست همان جایی هستند که زمین و زیست‌کره و سیاست و مناسبات قدرت در هم می‌آمیزند. بر همین اساس، تغییرات بوم‌شناسی و سیاست‌های امنیتی جهان صنعتی، جغرافیای تهدیدات زیست‌محیطی، پیامدهای سیاسی، تأثیرات نظام جهانی از تخریب محیط‌زیست و پناهندگان زیست‌محیطی در حوزه مطالعات ژئوپلیتیک زیست‌محیطی قرار گرفته‌اند.

ژئوپولیتیک‌زیست‌محیطی پس از جنگ سرد و فروپاشی شوروی تمرکز بر دیگر تهدیدات از جمله فرآیندهای تهدیدکننده امنیت منابع طبیعی و ناتوانی در بر خورد با افزایش تقاضای روزافزون جمعیت، کانون مطالعات ژئوپلیتیک قرار گرفت. افزون بر این، پس از حملات ۱۱ سپتامبر در ایالات متحده پیکار با ترور و تروریسم که شامل تروریسم بیولوژیک هم می‌شود به عنوان محرک و گفتمان عمومی با ژئوپلیتیک زیست‌محیطی همراهی بیشتری نشان داد. داده‌ها و یافته‌های موجود نشان می‌دهد تغییرات محیطی با خاستگاه انسانی یا طبیعی پیامدزایی ژرفی

وحید سلوکی؛^o از سال ۱۹۵۲ تاکنون هشتادمین باری است‌که آمریکا کودتای موفق یا ناموفق را در کشورهای دنیا طرح می‌ریزد. سال ۱۹۵۳ سالی بود که «ایزن‌هاور» رئیس‌جمهور آمریکا در ایران متوجه شد سیا می‌تواند دولت‌های منتخبی را که حاضر نمی‌شوند آینده مردمانشان را قربانی منافع تجاری و ژئوپلیتیک غرب کنند، سرنگون کند. تلخ‌ترین واقعیت دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم تلاش‌های آمریکا برای از بین بردن دموکراسی در جهان است، و در عین حال وانمود واشنگتن به دفاع از دموکراسی و حقوق بشر. آمریکا در معادلات بین‌المللی قدرت با فریبکاری تمام وانمود می‌کند تلاشش در جهت بهبود دنیاست. این اقدام بی‌قید، توهین‌آمیز و بی‌رحمانه اما در عین حال بسیار هوشمندانه است. چارچوب کودتاهای آمریکا از سال ۱۹۵۲ تاکنون تغییری نکرده است. تفاوت آنها در صراحت آمریکا در ایفای نقش در کودتا و میزان خشونت کودتا بوده است. آمریکا همواره درگیری با شدت کمتر را به حمله و اشغال کشورها ترجیح می‌دهد. سیا و نیروهای ویژه آمریکا از نیروهای نیابتی و عملیات‌های مخفی برای پیافته‌های دولت‌ها و سرکوب جنبش‌هایی استفاده می‌کنند که در مقابل اشتهای سیری‌ناپذیر

تخریب محیط‌زیست در یک منطقه ساحلی

بحران ریزگردها و ناامنی انسانی

- محموددورانی*

دارد؛ یک تفسیر از امنیت محیط‌زیستی این است که تخریب محیط‌زیست و کم شدن منابع، تأثیر منفی بر امنیت یک کشور دارد و مشکلات محیط‌زیستی مثل بیابان‌زایی، باران‌های اسیدی، تخریب جنگل‌ها و توفان‌های ماسه‌ای می‌تواند منجر به رکود اقتصادی، آشوب اجتماعی و بی‌ثباتی سیاسی شود. این تأثیرها می‌تواند درگیری و حتی خشونت را در داخل کشور یا با کشورهای همسایه به دنبال داشته باشد و با هم‌فرازی با سایر چالش‌های منطقه‌ای، امنیت یک کشور را به خطر اندازد. دومین تفسیر از امنیت محیط‌زیستی بیشتر مربوط به تهدید تغییرات محیط‌زیستی بر امنیت فردی است. تحلیل‌گرانی که رویکرد دوم را بر می‌گزینند، فرض را بر این می‌گذارند که حیطه امنیت ملی به گونه‌ای وسیع در نظر گرفته شده است که رفاه عمومی، جسمی، اجتماعی و اقتصادی افراد را در بر می‌گیرد.

اثرات چنین تغییراتی، تهدیدات کوتاه‌مدت و بلندمدتی را برای امنیت انسانی به وجود می‌آورد، عده‌ای معتقدند از آنجا که عواملی چون گسترش بیابان‌ها و نوسانات شدید اقلیمی و حوادث جوی (نظیر سیل، خشکسالی و گردوغبار) زندگی انسان‌ها و دیگر موجودات کره زمین را تهدید می‌کند، باید آنها را به چشم یک تهدید امنیتی فوری نگریست. به‌طور کلی می‌توان گفت فرآیندهایی که سبب بهره‌برداری بیش از حد از منابع طبیعی یا تغییر اقلیم می‌شوند، اساسا با فرآیندهای گسترده‌تر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که خود بخشی از اقتصاد درهم‌تنیده سیاسی است پیوند دارند. لذا فرآیندهای جهانی شدن، وابستگی متقابل در عرصه اقتصاد و سایر حیطه‌های زندگی بشر به نحو فرآیندهای به موضوعات زیست‌محیطی، بعد منطقه‌ای و جهانی بخشیده است.

ماهیت و منشأ ریزگردها

در سال‌های اخیر تعداد تکرار و شدت وقوع ریزگردها در ایران آن را به یک معضل زیستی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تبدیل کرده است و هم‌زمان نظرهای مختلفی توسط نهاده‌ها و سازمان‌های مسؤول و غیرمسؤول درباره آن اظهار و راهبردها و راهکارهای گوناگونی اعم از علمی و منطقی یا غیرعلمی برای مقابله یا تعدیل آثار زاینبار آن ارائه شده است. آنچه در این بحث به طور مشخص مورد توجه قرار دارد، ریزگردهایی است که عموماً مناطق غرب و جنوب‌غربی کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در یک دهه اخیر تکرار وقوع آنها بشدت افزایش یافته است. واقعیت آن است که منشأ ظهور پدیده ریزگردها در جهان به عنوان بخشی از آثار و عوارض فرسایش بادی، عموماً مختص مناطق خشک و نیمه‌خشک است. اگرچه دامنه اثرات آن مطلق است بخش‌های وسیع‌تری از کره مسکون، حتی مناطق مرطوب و نیمه‌مرطوب را هم در بر گیرد. اکثریت گرد و غبارهای دنیا از نواحی محدودی مانند بیابان بزرگ آفریقا، آسیای جنوب‌غربی، مرکز استرالیا، مغولستان و بخش‌هایی از قاره اروپا و آمریکا منشأ می‌گیرند. ایران، عراق، عربستان، یمن، اردن، ترکیه، سوریه، کویت و کشورهای شمال آفریقا با حساسیت‌ها و آسیب‌پذیری متفاوتی موضوع ریزگرد را دنبال می‌کنند. در بررسی توزیع جهانی، از این کمربند به عنوان کمربند غبار نام برده می‌شود. این کمربند جغرافیایی در نیمکره شمالی واقع شده و در منطقه جنوب‌غرب آسیا از شمال آفریقا تا چین گسترده شده است. بسیاری از کارشناسن، مناطق بین‌المللی تالاب هورالعظیم در عراق را عامل اصلی و منشأ توفان‌های گردوغبار معرفی کرده و تعدادی دیگر نواحی ربع‌الخالی (بیابان بزرگ عربستان) را منشأ این توفان‌ها قلمداد می‌کنند. اگرچه خشک شدن بخش عظیمی از تیزراه‌های هورالعظیم در سال‌های جنگ ایران و عراق به علت انحراف آب رودخانه‌های دجله و فرات و همچنین

-
-
-

عاملی چالش‌ساز در جنوب‌غرب آسیا

بحران ریزگردها و ناامنی انسانی

- محموددورانی*

ایجاد سده‌ها و بندهای فراوان توسط ترکیه و عراق در بالادست این دو رودخانه بزرگ می‌تواند بستر مناسبی برای منشأ گردوغبار باشد ولی نمی‌توان بیابان‌های ربع‌الخالی عربستان و سایر اراضی خشک و بدون پوشش گیاهی اطراف خلیج‌فارس را به عنوان منبع اصلی تولید ذرات گردوغبار از نظر دور داشت. علاوه بر آن، سال‌های خشک و کم‌باران چند سال اخیر نیز این پدیده را تشدید کرده و ابعاد گسترده‌تری به آن داده و بر خسارات آن افزوده است.

موانع حل بحران ریزگردها؛ چالش بزرگ

سیاست‌خارجی جمهوری اسلامی ایران

واقعیت آن است که حل بحران ریزگردها با موانعی غیر از مسائل طبیعی و بیابانی مواجه است واگر حل این بحران طول کشیده ناشی از وضعیت نامناسب سیاسی در منطقه است؛ بروز نابسامانی‌های سیاسی و اشغال عراق از دهه ۹۰ میلادی از جمله این تنش‌ها به شمار می‌رود. همچنین وضعیت نامشخص قطننامه ۵۹۸ و وضعیت نه جنگ و نه صلح ایران و عراق و از این مهم‌تر موضوع گرامت پرداخت نشده به ایران در جنگ تحمیلی و نیز باقی ماندن اختلافات بر سر اروندرود و اصرار طرف عراقی بر موضوع حقابه این کشور در تاسمین آبی تالاب‌های هورالعظیم، هورالحمار و هورالهویزه مزید علت است. به این ترتیب وجود «اختلافات هیدروپلیتیک» میان کشورهای عراق – ترکیه، عراق – سوریه و عراق – ایران، از جمله موانع شکل‌گیری «همگرایی» در غلبه بر بحران ریزگردهاست. از سوی دیگر بررسی توانایی‌ها و قدرت منطقه‌ای هر کدام از بازیگران مطرح در مساله ریزگردها نشان می‌دهد گفتمان‌های مبتنی بر اجبار یا پاداش و تنبیه نمی‌تواند مورد استفاده قرار گیرد، به‌رغم برتری نسبی و قدرت منطقه‌ای کشورهایایی نظیر ایران و ترکیه، هیچ‌کدام از این کشورها از ابزارهای بالادستانه برای تحت فشار قراردادن یکجانبه طرف‌های دیگر برخوردار نیستند، از سوی دیگر عربستان به عنوان بازیگری که سعی در بزرگ نشان دادن خود در منطقه دارد، تا‌به حال تمایلی برای شرکت در مذاکرات و حل بحران‌های زیست‌محیطی نشان نداده و شواهد حاکی از افزایش تنش سیاسی میان ایران و این کشور در این موضوع است. دولت‌های منطقه طی سال‌های اخیر دچار کشمکش‌های امنیتی و سیاسی عدیده‌ای بوده‌اند و نتوانسته‌اند ساختار مناسبی برای همکاری منطقه‌ای ایجاد کنند، وجود این نابسامانی‌ها مانع از آن بوده تا منجر به ایجاد یک پیمان سیاسی، اقتصادی و بازرگانی مستحکم شود و ساختارهای موجود نظیر «سازمان آکو» نیز حال و روز خوشی ندارد. در هر صورت تلاش‌های کشورهای منطقه برای دست برداشتن از منافع کوتاه‌مدت و یکسان‌سازی منافع، کلید موفقیت در غلبه بر چالش‌های زیست‌محیطی و از جمله ریزگردها به شمار می‌رود. بحران ریزگردها در چند سال اخیر باعث شده ایران بویژه با کشورهای همسایه خود رایزنی‌ها و مذاکراتی را داشته باشد که امضای تفاهنامه‌هایی را به دنبال داشته است. از جمله این تفواقت می‌توان به تفاهنامه دوجانبه بین ایران و عراق اشاره کرد که در این تفاهنامه بر همکاری دوجانبه تأکید شده است و همچنین ۲ کشور در سطح منطقه‌ای همکاری‌هایی را شروع و از کشورهای منطقه و بخش‌های مختلف سازمان ملل متحد و انجمن‌های بین‌المللی برای حمایت و شرکت در این اقدام دعوت می‌رسد. بهترین راه کاهش اثرات مخرب گردوغبارها روی محیط‌زیست تقویت معاهدات و قوانین موجود است که به نوعی مرتبط با موضوع نیز هست؛ اجرای برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت مشترک می‌تواند این روند را سرعت بخشد.

پژوهشگر در حوزه جغرافیای سیاسی
با توجه به مطالب بالا باید گفت کنترل و مدیریت بحران ریزگردها با توجه به جنبه مرزگذر بودن آن فراتر از وظایف یک کشور یا سازمان بین‌المللی بوده و نیازمند شکل‌گیری «ساختار بین‌المللی و همکاری نهادهای بین‌المللی» از این زمینه است. البته در زمینه مبارزه با پدیده ریزگردها جای خالی یک «پهاد هماهنگ‌کننده منطقه‌ای یا بین‌المللی» بشدت احساس می‌شود. این امر نیازمند تقویت همکاری‌های بین‌المللی برای ایجاد «همگرایی منطقه‌ای و بین‌المللی» یا یکدیگر در زمینه تصویب قوانین داخلی و اجرای برنامه‌های مشترک در راستای تثبیت شن‌های روان و مبارزه با بیابان‌زایی و استفاده از ظرفیت‌ها و اعتبارات جهانی در راستای مقابله با ریزگردهاست. نبود یک موافقتنامه منطقه‌ای یا جهانی که به طور اختصاصی این موضوع را مورد بررسی قرار دهد، باعث وجود ابهام در مسؤولیت کشورها شده‌است. لذا ضرورت تدوین چنین معاهداتی بسیار احساس می‌شود. به‌کارگیری حقوق بین‌الملل و اصول متفق‌ی آن همانند اصل استفاده غیر زاینبار از سرزمین و حسن حل‌همجاری و همکاری و اصل مسؤولیت کشورها در قبال صدمه به محیط‌زیست دیگر کشورها در زمینه آلودگی‌های فرامرزی و اصل اطلاع‌رسانی فوری و بموقع درباره خسارات فرامرزی به محیط‌زیست، می‌تواند از روند رو به رشد توفان‌های گردوغبار جلوگیری کند و با توجه به نوظهور بودن این پدیده و عدم قاعده‌مندسازی در سطح جهانی، به نظر می‌رسد بهترین راه کاهش اثرات مخرب گردوغبارها روی محیط‌زیست تقویت معاهدات و قوانین موجود است که به نوعی مرتبط با موضوع نیز هست؛ اجرای برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت مشترک می‌تواند این روند را سرعت بخشد.

کارشناس ارشد مسائل سیاسی
اعتماد صدقه به آمریکا سبب شد کشور از این ارتباط صمیمی منترزr شود و در واقع تمام نهضت را دچار اضمحلال کند. اعتماد دولت لیبی به آمریکا در زمینه خلع سلاح و موشک‌های بالستیک و هسته‌ای برای رفع وضع اضطراری علیه لیبی و تحریم‌های مرتبط، سبب تفاهنامه صلح و امنیت مشترک لیبی با انگلیس و رابطه دیپلماتیک کامل میان آمریکا با لیبی شد اما با بروز ناآرامی در لیبی، شورای امنیت به پناهه حقوق بشر تحریم‌های مالی را وضع کرد و لیبی با توجه به محدود کردن توان نظامی، عملاً قدرت بازدارندگی خود را از دست داد و در نهایت معمر قذافی کشته شد و دولت لیبی عملاً با اعتماد به آمریکا به آسانی سقوط کرد. امنیت یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی و فرهنگی مردم، مسؤولان و نخبگان در سطح هر جامعه انسانی است. این روزها که مردم کشورهای منطقه از بی‌ثباتی و نبود امنیت رنج می‌برند به برکت انقلاب اسلامی در ایران امنیت در کشور ایران برقرار است. گفتمان انقلابی در محیط نامن و پرتنش منطقه که کمربند آتش نامیده می‌شود، سعی دارد با راهبرد افزایش توان دفاعی به دیپلماسی و گفت‌وگو با آمریکا نتیجه‌های جز ضرر، امنیت‌بخشی در کشور مبادرت ورزد.

کارشناس ارشد مسائل سیاسی

دوشنبه ۸ خرداد ۱۳۹۶

خاطرات جبهه ۶



از ترس مرخصی نمی‌آمدیم

روز قبیل اعزام بود. برادری دارم از خودم بزرگ‌تر. مرا نصیحت می‌کرد که سعی کن خوب درس بخوانی و به حرف پدر و مادر گوش کنی. فهمیدم که می‌خواهد برود. نمی‌دانست من پیش از او تصمیم گرفته بودم و گوشم پر بود از این حرف‌ها. پسر عمومی داشتیم که گویا او هم می‌خواست بیاید. من سوار ماشین که شدم دیدم پسرعمویم کف آن دراز کشیده و برادرم عقب ماشین، پایین صندلی نشسته. آنها یک مشکل داشتند آن هم خانواده بود ولی من، مساله قد و سن را هم دانشتم. برادرم مرا که دید رسید تو چطور می‌امدی؟ گفتیم؛ همان جوری که تو آمدی. دوتایی با پسرعمویم خیلی سعی کردند رضام کنند که ما برگرد اما نشد و رقتیم جبهه. حالا سه نفری از ترس اینکه مبدا نگذارند از خانه برگردیم، مرخصی نمی‌رفتیم و این باعث نگرانی خانواده‌های‌مان شده بود. پدرم بعد از مدتی راه افتاد آمد منطقه و ما را پیدا کرد. در فرماندهان صحبت کرد و یک هفته برایمان مرخصی گرفت و با هم تا «هواز» آمدیم. مقداری میوه و بسته گرفته بود، نشستیم دور هم و سرگرم خوش و بش اما هنوز نگران بودیم. پدرم رفت دستشویی و تا بر گردد نقشه‌ای ریختیم. وقتی آمد برادرم گفت: من بروم آب بخورم، رفت و طبق قرار خودش را به قاطر رساند. من هم به دنبال او که ببینم چرا نیامد بنده خدایی خبر که ما هر دو از دستش فرار کرده‌ایم. پسرعمویمان هم در لحظات آخر خودش را به ما رساند و کمک کردیم از پنجره قاطر آمد بالا. پدرم وقتی فهمید که دیگر خیلی دیر شده بود. به منطقه رسیدیم. فرمانده خیلی تعجب کرد که به این سرعت برگشتیم. در «حاج عمران» عملیات کردیم و پسرعمویم مفقود شد.

یک بام و دو هوا

من و یکی از پسرعه‌هایم به اتفاق از خانه فرار کردیم و آمدیم منطقه ۳ه گشتش از ترس آنکه مبدا برویم شهر نگذارند دوباره برگردیم، مرخصی نرفتم. نزدیک عید بود. شوهر همه ام آمده بود جبهه که پسرش را با خودش برد و سال نو را با هم باشند. هوا گرم بود و ما پیراهن مرطوحه قدم می‌زدیم که دیدیم با چکمه و اورکت و پالتو آمد. حتی کلاه و دستکش‌هایش را هم در نیآورده بود. مریدم از خنده. آن روز یکی دو ساعت مرخصی گرفتیم و رقتیم شهر. مردم با یک حالت عجیبی ما را نگاه می‌کردند. چون شده بودیم یک بام و دو شوهر همه ام می‌گفتند: «زنا» برف و سرمای زیادی است. آنها برگشتند. چیزی نگذشته بود که پسرعه‌م ام آمد. معلوم شد پدرش را اقال گذاشته و گریخته است.

بلای سوغاتی

دور هم جمع بودیم که یکی از بچه‌ها خبر آورد بلند بشوید بیایید ماور داریم. ته و توی قفسه را که در آوردیم معلوم شد حاج آقاایی آمده منطقه و با خودش مقداری سوغاتی آورده که همان اول بسم الله برادران ترتیبش را داده‌اند. حالا آنچه‌ها برای اینکه او پادش بماند از این به بعد سوغاتی را به نسبت بین همه تقسیم کند، می‌خواهند از او مختصری بپزایند کنند؛ عده‌ای از دوستان را به عنوان دشمن در جایی مستقر کرده بودند. با حاج آقا راه افتادیم که به اصطلاح موقعیت را به او نشان بدهیم. طبق قرار قبلی به منطقه پاتاهی که رسیدیم بچه‌ها شروع به تیراندازی کردند. سریع خوباییم روی زمین گل و لایسی که در منطقه بود. بنده خدا حاج آقا هم به خیال اینکه آنها عراقی هستند با همان لباس‌های تزر و تمیز خوباید روی زمین و آنچه نباید بشود شد. حوالی ظهر یواش یواش قفسه را به او گفتیم. اول ناراحت شد، بعد مقداری در فکر فرو رفت و اهسته اهسته لیخند روی لبانش ظاهر شد. از آن به بعد هر وقت یاد آن روز می‌کردیم می‌خندید. قول داد که اگر این دفعه با دست بر آمد مستقیم بیاید پیش خودمان.

حد بلوغ

موقع اعزام سپاهیان کر بلا بود. یک پسر بچه ۱۲–۱۱ ساله آمده بود واحد بسنج سپاه و می‌خواست به جبهه برود. وقتی جواب رد شنید سریع فرماندهی را گرفت. به او گفت دستور بدهید اسم مرا به بنویسند. فرمانده «سپاه نورآباد» گفت: شما هنوز به حد بلوغ نرسیده‌اید. نمی‌توانیم این کار را بکنیم. در حالت خشم و گریه برگشت گفت شما کی هستی که اسم مرا بنویسی یا ننویسی. به دستور ولی قفسه تکلیف خودم را می‌دانم. باید در میدان جنگ حاضر باشم و از این حرف‌ها، همه جمع شدند و نتوانستند قانعش کنند. اسمش را نوشند تا اعزام بشود.

شهیدمجروح

در دوره آموزشی دوستی داشتیم به نام «محمد حیدری». در جریان آموزش، بینی‌اش شکست و آن را گچ گرفتند. حاضر نشد از پادگان برود خانه. ایستاد و پا به پای بقیه دوره را گذرانید. بعد هم با همان وضع با اصرار و التماس و گریه آمد عملیات که با انفجار خمپاره شصت به شهادت رسید.

منبع: **دائرة المعارف «فرهنگ جبهه»**